

از شیشه‌ای ها فاصله بگیرید

مخدر شیشه شعور انسانی مصرف کننده را سلب می کند

به باور من از دست دادن شعور انسانی اولین و مهم ترین عملی است که یک فرد معتاد به مواد مخدر صنعتی و روانگردان بعد از استعمال این مواد مبتلا به آن شده و در نهایت دست به جنایاتی فجیع می زند.

ابتدا بهتر است بدانیم که این قبیل از مخدرها در چه تحریک پذیری را بسلا می برند. وقتی این درجه از تحریک پذیری در معنایی که به تازگی این مواد را استعمال و استفاده کرده است، بالا می رود، فرد دچار یک سری توهم های عجیب و غریب ناشی از کشیدن این موادهای می شود و آن وقت است که او در عالمی از رؤیا به دنبال یک سری انتقام جویی های گردد.

وقتی در آن حال خراب فردی به او نزدیک می شود و در برابر او قرار می گیرد، این فرد معتاد شیشه باز است که در وهله اول تلاش می کند تا او را از سر راه خود بردارد و به نوعی از او انتقام بگیرد. اینجاست که در یک لحظه خشونتی افسار گسیخته بر معتاد غلبه و او را وارد به انجام یک جنایت می کند. این یک لحظه ریشه در پیامدهای سوءمخدرهای صنعتی دارد که منجر به نابودی دو زندگی می شود؛ یکی زندگی فرد معتاد و دیگری زندگی شخص قربانی.

به نظر من بهترین راه درمان این معضل اجتماعی دور نگ داشتن مردم از معتادان و شیشه بازها است. نهادهای متولی باید با اطلاع رسانی و بالا بردن آگاهی مردم و همچنین با ایجاد کار و مسئولیت برای زنان و جوانان دختر و پسر آنها را از آسیب های اعتیاد و خطرهای افراط معتاد دور کنند. مسئولان امر باید مردم را متوجه این امر کنند که اگر از شیشه ای ها فاصله نگیرند چه عواقب ناگواری در انتظارشان خواهد بود.

به نظر من با اعراض از معرض قرار گرفتن سوءهاست که می توان از آمار قربانیان این چنین جنایت هایی کاست و از قربانی شدن برخی از اشخاص دیگر جلوگیری کرد. شایان ذکر است که افراد جامعه باید با احتیاط از افرادی که دچار توهم شیشه ای شده اند، فاصله بگیرند و با رفتار مودبانه ای که از خود نشان می دهند با آنها برخورد کنند.

با ایجاد شادی و نشاط و جامعه و همچنین انگیزه های فرخ بخش غیر موادی بین مردم است که می توان از این امر جلوگیری کرد. گرفتار شدن افراد در منجلاب اعتیاد و مخدر شیشه ریشه در بسیاری از عوامل جامعه شناختی دارد. بیکاری عاملی است که بسیار از یاد شده است. به نظر من تا زمانی که معضل بیکاری در جامعه و در میان جوانان رفع نشود نمی توان لکه تنگ اعتیاد را از دامن جامعه و جوانان پاک کرد.
خب طبیعی است.

واضح و میرهن است که وقتی جوان جامعه که می تواند در برهه ای از زمان، مسیر زندگی خود را به درستی تعیین و راه را برای پیشرفت خود در تحصیل و... هموار کند، با سد بیکاری رو به رو می شود، ناخوداگاه به سمت اعتیاد سوق پیدا می کند.

به نظر من برای نجات جامعه از بیماری اعتیاد ابتدا باید دسترسی به شیشه و دیگر مخدرهای صنعتی را کاهش داد. دسترسی آسان به شیشه و استعمال آن در مکان های در دسترس تر است که منجر به فقدان شعور و حلول غریزه خونیخواری در فرد معتاد به شیشه می شود و او را به سمت ارتکاب جرم های فجیع و قتل های شنیع راهنمایی می کند.

مسئولان و ضابطین باید با قاطعیت قانونی با عوامل توزیع کننده این گونه از مواد برخوردی قاطع و سخت داشته باشند و آنها را به بدترین شکل ممکن مجازات کنند. بهتر است جلسه توزیع مواد مخدر صورت گرفته و به افراد مصرف کنند مراتبی از ترک یاد داده شود. وقتی این امر محقق شود، دست اجنبی و تولید کننددها نیز از این مملکت قطع می شود.

سر خط خبرها

■ مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان همدان گفت: طبق رأی مرجع قضایی یک پسر متصرف اراضی منابع طبیعی به ممنوعیت اقامت به مدت دو سال در این استان محکوم شد.
محمدرضا همتی به «پرنای» گفت: این زمینخوار بیش از ۱۰ هکتار از اراضی ملی را به زمین کشاورزی تبدیل کرده بود.
شعبه یک دادگاه کیفری فاینین علاوه بر رفع تصرف اراضی ملی، این فرد متخلف را به ممنوعیت اقامت در همدان به مدت دو سال و تحمل شش ماه حبس محکوم کرد.
■ پرونده چهار متجاوز افغانی که متهم هستند ۲۸ شهرویر گردشگری خارجی را در یکی از مناطق کوهستانی تهران مورد آزار قرار داده اند، در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک (۷۸ سابق) استان تهران بررسی می شود.
محسن افتخاری، رئیس مجتمع دادگاه های کیفری یک استان تهران به «تشیع» گفت: تحقیقات مقدماتی پرونده در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک در حال انجام است.

زن جوانی که با دسیسه خواهر ناتنی اش در یکی از کمپ های ترک اعتیاد حبس شده بود، پس از ۵۶ روز موفق به فرار شد.
به گزارش خبرنگار ما، چندروز قبل زن جوانی وارداداره پلیس تهران شد و گفت که خواهر ناتنی اش او را ربوده و بعداز بستری کردنش در یکی از کمپ های ترک اعتیاد، جواهراتش را هم سرقت کرده است.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: همراه شوهرم در یکی از محله های شرق تهران زندگی می کنم. حدود دو ماه قبل بود که او از طرف محل کارش برای انجام مأموریت به شهرستان رفت به خاطر همین من شب را به خانه خواهر ناتنی ام در محله نارمک رفتم. خواهرم آن شب شام فصلی آماده کرد به طوری که بعد از خوردن غذا، به خواب سستگینی فرورفتم. صبح هم که از خواب بیدار شدم، سرگیجه داشتم. پس از خوردن صبحانه، خواهرم پیشنهاد داد همراه او به کلاس های عرفانی بروم، او مدعی بود مدتی است عضو گروه های عرفانی شده و

دام سیاه خواستگار قلابی در شبکه لاین

اعتماد بی خی دختر جوان به پسرری در شبکه اجتماعی لاین، ماجرای سیاهی را برایش رقم زد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل دختر ۲۱ ساله ای همراه مادرش وارد داسرای امور جنایی تهران شد و از پسری به اتهام آدم ربایی شکایت کرد.

این دختر در شرح ماجرا گفت: چند ماه قبل از طریق شبکه اجتماعی لاین با پسری به نام شهاب آشنا شدم. ارتباط ساییری ما ادامه داشت و او عکس هایش را برایم فرستاد. وقتی ارتباط ما بیشتر شد، اعتماد کردم و عکس هایم را برایش ارسال کردم. مدتی بعد هم گفت که به من علاقه مند شده و پیشنهاد ازدواج داد، برای همین چند بار در پارک همدیگر را ملاقات کردیم. او با حرف های عاشقانه مرا شیفته خودش کرد به طوری که عاشق او شدم و علاقه ام هر روز بیشتر می شد. پس از آن هم گفت قصد دارد همراه خانواده اش به خواستگاری من بیاید. خیلی خوشحال شدم و زمانی که خواستم موضوع را با خانواده ام در میان بگذارم، شهاب گفت مادرش مرا به خانه شان دعوت کرده تا مرا از نزدیک ببیند. از آنجایی که در این مدت به او اعتماد کرده بودم چهارهائش را قبول کردم و صبح روز ۱۶ خرداد ماه بود که به خانه شان رفتم. وقتی وارد شدم هیچ کس نبود و شهاب گفت که مادرش برای خرید بیرون رفته و به زودی بر می گردد اما من از حرف هایش فهمیدم که دروغ می گوید و نیت شیطانی دارد به همین خاطر خواستم از خانه شان خارج شوم که در ا قفل کرد و مانع شد. خیلی التماس کردم و خواستم مرا رها کند اما قایده ای نداشت و...

شکایت ادامه داد: بعد از آن ماجرا شبها کابوس می دیدم و وحشت زده از خواب بیدار می شدم به طوری که دچار مشکل روحی شدم و خانواده ام مرا نزد روانپزشک بردند. آنجا بود که ماجرا را در میان گذاشتم و بعد تصمیم به شکایت گرفتم. وی در پایان گفت: من روز قبل به شهاب پیامک دادم و گفتم که قصد دارم از او شکایت کنم اما او حرفم را جدی نگرفت. مادر این دختر هم گفت: مدتی قبل متوجه شدم دخترم دچار افسردگی شده است. او هر شب در خواب کابوس می دید و فریاد می زد تا اینکه فهمیدم پسری به نام شهاب او را فریب داده است. با طرح این شکایت پرونده برای رسیدگی و تحقیقات بیشتر به دستور قاضی حسین پور، بازپرس شعبه پنجم داسرای جنایی پایتخت در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار گرفت.

مرد جوان زمانی که دید پدرزنش برای بار چهارم ازدواج می کند، تصمیم به جدایی از همسرش گرفت.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، چندی پیش مرد جوانی راهی دادگاه خانواده شد و درخواست طلاقش را به قاضی ارائه داد. وی در شرح ماجرا گفت: من به خاطر پدرزنم تصمیم به جدایی گرفتم. پدرزنم باعث خجالت و شرمنده گی من است و دوست ندارم با چنین خانواده ای وصلت داشته باشم. وی افزود: وقتی با همسرم ازدواج کردم متوجه شدم که پدرزنم تا به حال سه بار ازدواج کرده و حالا باز هم می خواهد برای

نزاع مرگبار در پارک

نزاع شبانه در یکی از پارک های پایتخت مرگ پسر جوانی را به همراه داشت.
به گزارش خبرنگار ما، چند شب قبل قاضی منافی آذر، بازپرس ویژه قتل پایتخت با تماس مأموران پلیس از نزاع چند پسر جوان در یکی از پارک های پایتخت باخبر و به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. نخستین بررسی ها حکایت از آن داشت که در جریان درگیری، پسر جوانی مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده است. پس از حضور بازپرس در بیمارستان، زمین کشاورزی تبدیل کرده بود. شعبه یک دادگاه کیفری فاینین علاوه بر رفع تصرف اراضی ملی، این فرد متخلف را به ممنوعیت اقامت در همدان به مدت دو سال و تحمل شش ماه حبس محکوم کرد.

■ پرونده چهار متجاوز افغانی که متهم هستند ۲۸ شهرویر گردشگری خارجی را در یکی از مناطق کوهستانی تهران مورد آزار قرار داده اند، در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک (۷۸ سابق) استان تهران بررسی می شود.
محسن افتخاری، رئیس مجتمع دادگاه های کیفری یک استان تهران به «تشیع» گفت: تحقیقات مقدماتی پرونده در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک در حال انجام است.

باشگاه حقوقی

اعتراض به رأی

مهلت درخواست تجدیدنظر و فرجام برای افراد مقیم ایران ۲۰ روز برای

حصولات

سرویس حوادث۸۸۹۸۴۳۵

دسیسه خواهر ناتنی برای سرقت طلایی

هر روز در کلاس های آنها شرکت می کند. اول قبول نکردم اما وقتی اصرار کرد و با هیجان درباره آموزه های کلاس ها شرح داد، پیشنهادش را قبول کردم. بعد هم با خودروی او به طرف محل کلاس ها رفتم تا اینکه در یکی از خیابان های مرکز شهر، کنار مغازه ای توقف کرد و دو لیوان آیمیوه خرید. وقتی آیمیوه را خوردم از هوش رفتم. ساعتی بعد وقتی به هوش آمدم، متوجه شدم در محل ناشناسی هستم و دست و پاهایم به تخت بسته شده است. وقتی از زنی که کنار تخت ایستاده بود، سؤال کردم، گفت اینجا کمپ ترک اعتیاد حوالی کرج است. پس از اینکه با داد و بیداد دست و پايم را باز کردند به کار کنار آنجا گفتم که اعتیاد ندارم و خواستم رهايم کنند تا به خانه ام برگردم، اما آنها گفتند به درخواست خواهرم مرا بستری کرده اند و باید مدتی اینجا بمانم. شاکی ادامه داد: من ۵۶ روز تمام در این کمپ اسیر بودم و روزهای سختی را سپری کردم اما در طول این مدت این سؤال ذهنم را مشغول خود کرده بود که چرا خواهرم مرا

مرد معتاد وقتی متوجه شد پدرش به همراه سه مأمور پلیس در خانه حاضر شده اند، باسید آنها را هدف قرار داد و از محل گریخت. وضعیت یکی از مأموران پلیس وخیم گزارش شده است.
این حادثه شامگاه چهارشنبه در منطقه گل زرد نهاوند اتفاق افتاد. مرد میانسال که از آذیت های پسر معتادش به ستوه آمده بود بعد از طرح شکایت و گرفتن حکم جلب، به همراه سه مأمور پلیس راهی خانه اش شد. پسر معتاد وقتی از حضور مأموران پلیس باخبر شد به پشت بام رفت و در فرصت مناسب به روی پدر و سه پلیس همراهش اسیدپاشید و او محل گریخت. همزمان با وقوع حادثه

رهایی گروگان در ۶ ساعت



ادامه دارد.

زنم را طلاق می دهم چون پدرزنم برای بار چهارم می خواهد ازدواج کند!

چهارمین بار ازدواج کند. او بعد از اینکه همسر اولش فوت کرده تا به حال دو بار ازدواج کرده و می خواهد بار هم ازدواج کند. پدرزنم با هر زنی که از ازدواج می کند بعد از مدتی به اختلاف برمی خورد و از آنها جانی می شود. در این مدتی که من با همسرم ازدواج کرده ام، دوبار ازدواج کرده و من هر بار هم برای خانواده ام داستانی سر هم می کنم تا آبرویم نرود. اما دیگر نمی توانم تحمل کنم. او باز هم می خواهد با زن دیگری ازدواج کند و می دانم که با این زن هم نمی تواند زندگی خوبی داشته باشد.



عدم اعتبار دلایل با مدارکی که دادگاه به آن استناد کرده است. ۲- ادعای مخالف بودن رأی با قانون ۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از دلایل رد دادرس که ثابت کند دادرس صالح برای رسیدگی نیست. ۴- ادعای عدم توجه دادگاه به دلایل ابراز شده. براساس ماده ۳۳۵ همین قانون، دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور فقط نسبت به آنچه مورد تجدیدنظر یا فرجام خواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده رسیدگی می کند. براساس ماده ۴۳۹ همین قانون تجدیدنظر خواه یا فرجام خواه، باید درخواست یا دادخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین یا تجدیدنظر و یا دفتر زندان تحویل دهد.

به این کمپ آورد. سرانجام از طریق یکی از معتادان که از کمپ مرخص شد به شوهرم خبر دادم و او را از سرنوشت خودم باخبر کردم. شوهرم وقتی از ماجرا با خبر شد به کمپ آمد و مرا از این اسارتگاه نجات داد. وقتی شوهرم مرا به خانه برد، متوجه شدم خواهرم کلید خانه ام را از داخل کیفم سرقت کرده و در نبود شوهرم تمام طلاها و جواهرات مرا سرقت کرده است. بعد از آن بود که فهمیدم شوهرم وقتی از مأموریت بازگشته و از پیدا کردنم ناامید شده، پلیس را از ماجرا با خبر کرده است. شوهر شاکی هم گفت: وقتی از مأموریت برگشتم، همسرم در خانه نبود. ابتدا فکر کردم به خانه دوستان و بستگان رفته است اما هر جا که رفتم از او خبری نیافتم و حتی خواهر ناتنی اش نیز چیزی به من نگفت. پس از طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی حسین پور، بازپرس شعبه پنجم داسری جنایی پایتخت برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن صحت و سقم این ادعا در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

و حضور امدادگران، چهار مصدوم راهی بیمارستان شدند و تحت درمان قرار گرفتند. اولین بررسی ها نشان داد که وضعیت سه نفر از مصدومان سطحی است بنابراین بعد از درمان اولیه از بیمارستان مرخص شدند اما یکی از مأموران پلیس به علت شدت سوختگی به بیمارستان بعثت همدان منتقل شد.

پدر متهم در تحقیقات گفت که پسرش تهدید کرده بود که در صورت طرح شکایت اقدام به اسیدپاشی می کند. سرهنگ محسن اقبالیان، فرمانده انتظامی شهرستان نهاوند گفت: تلاش برای بازداشت متهم فراری ادامه دارد.

کشف جسد زن باردار در خانه افیونی

کشف جسد زن بارداری در خانه اش در جنوب تهران پرونده تازه ای است که کیش روی بازپرس قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۴ نیمه شب پنج شنبه دوم مهرماه، قاضی منافی آذر بازپرس ویژه قتل از دادسرای جنایی پایتخت با تماس تلفنی از مأموران کلانتری شهرک ولیعصر از کشف جسد زن بارداری در خانه ای در شهرک ولیعصر باخبر و به همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. مأموران در نخستین گام با جسد ۳۵ ساله داخل خانه روبه رو شدند که چندروز از مرگش گذشته بود. معاینات تیم پزشکی قانونی در محل حادثه نشان داد زن فوت شده ۹ ماهه باردار بوده و بعداز حادثه نوزادش نیز در شکم فوت شده است. مأموران همچنین در محل حادثه وسایل استعمال مواد مخدر کشف کردند که حکایت از آن داشت زن فوت شده معتاد بوده و قبل از مرگ مواد مخدر مصرف کرده است.

تحقیقات میدانی هم نشان داد این زن در این خانه تنها بوده اما از مدتی قبل افرادی به این خانه رفت و آمد داشته اند. یکی از بستگان زن فوت شده گفت: ساعتی قبل شوهر صیغه ای این زن با من تماس گرفت و من را از ماجرا با خبر کرد. او گفت وقتی به خانه همسرش رفته هر چقدر در زده کسی در را باز نکرد به همین خاطر قفل در را تخریب کرده، وارد خانه شده و با این صحنه روبه رو شده است.

یکی از همسایه ها نیز گفت: چند روزی بود که از خانه زن فوت شده بوی بدی به مشام می رسید اما هرگز فکر نمی کردیم که او فوت کرده باشد. جسد زن جوان برای انجام آزمایش های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد. تحقیقات درباره این حادثه به دستور قاضی منافی آذر از سوی مأموران ادامه دارد.

مرگ زن سالخورده در سقوط تخته سنگ

سقوط تخته سنگ از بالای کوه روی خودروی سمند در حال عبور از جاده اهر یک کشته بر جای گذاشت.
این حادثه عصر روز پنج شنبه در جاده اهر به مشکین شهر اتفاق افتاد که در جریان آن یک زن ۶۱ ساله از سرنشینان خودروی سمند فوت شد.

دفتر دادگاه با زندان با فاصله آن را ثبت کند و رسیدگی که شامل نام تجدیدنظر خواه یا فرجام خواه و طرف دعوی او، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر و فرجام ثبت کند. این تاریخ، تاریخ تجدیدنظر یا فرجام خواهی محسوب می شود. دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا زندان مکلف است پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رأی نخستین ارسال کند. اگر این کار در مهلت تعیین شده انجام شود، دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین، پرونده را به دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور ارسال می کند.

اسیدپاشی

سید مصطفی قاضوی*

جامعه در پیشگیری

از تکرار جرم مسئول است



جرم، انحراف و کجروی، مفاهیمی هستند که امروزه برای همه ملموس می باشند. کمتر کسی است که از مفهوم و آثار این واژگان برداشتی نداشته باشد. تلاش اندیشمندان از گذشته تاکنون مؤید این است که پدیده شوم بزهکاری به عنوان عمل یا ترک عملی ضد اجتماعی است که ارزش های گروهی و وجدان جمعی را نشان نه گرفته است. در ادوار مختلف علمی، مجرم به عنوان فردی خاطلی و عاملی ضد اجتماعی مطرح شده است و همواره از جنبه ترغیب، مجازات و سزادهی در

قبال رفتار وی، به آن پرداخته شده است. از سوی دیگر، جهان معاصر آوردگاه خیل عظیم روابط و پیچیدگی جریان های اجتماعی است. با این وصف، انحرافات اجتماعی نیز به سمت گسترش و پیچیدگی سوق داده شده اند. حجم گسترده مجازات و محکومان در زندان ها و بازگشت مجدد عده قابل توجهی از آزادشدگان به دامنناگاه ها، رنگ خطر را برای متولیان به صدا در آورده است.

همانطور که اشاره شد، اساساً هدف از اجرای مجازات، تنبیه مجرم و ارعاب سایر افراد در معرض ارتکاب جرم است. لکن با نگاهی گذرا به آمارهای جنایی و بزهکاری می توان مشاهده کرد که به رغم این اهداف و صرف هزینه های بسیار برای اجرای آنها، چرا محکومان در زندان ها، پس از آزادی مجدداً به سوی ارتکاب جرم نیل پیدا می کنند؟ آیا میزان مجازات ها در بردارنده سزادهی لازم و تنبیه معنوی و مادی در متکبان نیست؟ آیا مجازات ها جنبه ا رعایی خود را از دست داده است؟ یا اینکه مجازات تنها راه باز اجتماعی شدن محکومان نیست؟

به نظر می رسد، گرچه نظام عدالت کیفری به عنوان یک مرجع رسمی در حد توان پاسخ های لازم به رفتارهای ضد اجتماعی امی دهد و تلاش می کند از جنبه های حقوقی، قضایی و رسمی هیچ رفتار منحرفانه را بدون پاسخ نگذارد، لکن تکتک افراد جامعه نیز به عنوان اعضای جامعه ای سزادهی لازم و تنبیه معنوی و مادی در متکبان به بازگشت وی به جامعه دارای سهم و تکلیف هستند. به عبارت دیگر، هرگاه مجرم از نظام قضایی و به ویژه نظام عدالت کیفری پاسخ رسمی را دریافت و دوران محکومیت خود را سپری کند، باید به جامعه باز گردد. لذا جامعه هم در این مرحله از نقش بسزایی بر خودر می شود. با فرض پذیرش گذراندن مجازات قانونی و تنبیه اخلاقی مرتکب، حال نوبت جامعه است تا مسیر بازسازگاری را برای وی مهیا کند، لذا افراد جامعه باید بگوشتن تا فرد متنبه را در مسیر صحیح زندگی و تعالی اجتماعی قرار دهند و با اعطای فرصت های مشروع شهروندی وی را در معرض آشتی اجتماعی قرار دهند و از گرایش مجدد وی به سوی بزهکاری پیشگیری کنند. دلیل این همه تأکید بر نقش جامعه برای باز اجتماعی شدن مرتکبان به خوبی روشن است. با کمی مداقه در این فرض که اگر جامعه در اجرای نقش خود در قبال مجرمان کوتاهی ورزد و اساساً آن را قبول نداشته باشد، محکومی که از زندان آزاد شده، در چه بستری باید به سوی زندگی اجتماعی باز گردد، با توجه به اینکه هیچ فرصتی در اختیار وی قرار داده نشده ام از داشتن فرصت اشتغال، حرفه آموزی، کسب حداقل درآمد برای امر معاش و حتی ازدواج و غیره، لذا در این وضعیت برای آنکه به زندگی بدوی خوش بپردازد، ناچار است مجدداً از طرق نامشروع و دنبال تأمین احتیاجات اولیه خویش باشد و برای بقا بجنگد. علاوه بر این اغلب محکومان و مجرمان دارای نقش سرپرستی خانواده هستند که در این وضعیت فشار اجتماعی را برای وی مضاعف می کند.

با رجوع محکوم ازاد شده از زندان به سوی ارتکاب مجدد جرم، باز هم این جامعه است که از آثار زیان بار رفتار وی آسیب می بیند و در این شرایط میزان آسیب وارد شده بیش از پیش خواهد بود، چرا که اولاً مرتکب به سوی پایداری بزهکار حرکت کرده و چه بسا از این به بعد به عنوان یک عضو خطر شده از جامعه تلقی شود، ثانیاً همانطور که ادوین لمرت نیز اشاره می کند، پاسخ فرد به مجازاتی که از سوی جامعه دریافت کرده نیز شدت پیدا خواهد کرد. نتیجه اینکه قصد اضرا ر بیشتری را نسبت به قبل در ذهن خود می پروراند.

لذا برای برون رفت از این وضعیت و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه مفید، جامعه باید خود را در برابر محکومان پس از زندان مسئول بداند و تلاش کند تا با اتخاذ تدابیر لازم از قبیل تلاش برای برطرف کردن موانع اشتغال، ازدواج و زندگی سالم‌ت آمیز و... از ارائه برجسب های مجرمانه و انگه های منفی به آنها پرہیز و مقدمات بازگشت و آشتی اجتماعی در محکوم را فراهم کرد تا نه تنها شاهد کاهش نرخ تکرار جرم و بازگشت به زندان ها باشیم، بلکه فرصت ارتکاب بره برای سایر افراد در معرض خطر نیز محدود شود و این نخستین گام برای نقش ایابی به جامعه هوشیار و وجدان نهادهین شده است.

***مدرس دانشگاه و مدیر کل پیشگیری های مردمی و مشارکت های مدنی قوه قضائیه**